

## زلزله قوچان در سال ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲

هادی هاشمیان

شهرستان قوچان با مساحت تقریبی ۳۹۸۱ کیلومتر مربع در گسترده جغرافیایی استان خراسان واقع شده است. این شهرستان از شمال شرقی به درگز و از جنوب به نیشابور و اسفراین، از غرب به فاروج و از مشرق به چناران حدود گردیده و از جهت شمال حدود ۷۵ کیلومتر با کشور ترکمنستان مرز مشترک دارد. شهر قوچان را با شهر باستانی اشک یا ارسکه یکی دانستند. در حدود ۲۵۰ سال پیش از میلادی در متون تاریخی به اسامی آساگ یا آساک و ... نامیده شده است. قوچان (آساک) به عنوان پایتخت اشکانیان بوده و چنانکه از منابع و متون بر می آید نه تنها شهرهایی چون بجنورد و درگز روزگاری جزو قوچان بشمار میرفته و بعدها به مرور زمان با توسعه این شهرها یکی پس از دیگری از قوچان جدا شده‌اند. در بین حوادثی دلخراشی که در قوچان اتفاق افتاده، زلزله‌های متوالی است که در این شهر واقع شده است. آنچه در کتب متعدده به آن اشاره شده، مربوط سالهای ۱۸۵۲ و ۱۸۷۱، ۱۸۹۳ و ۱۸۹۵ میلادی می‌باشد. در «مطلع الشمس» و «طرائق الحقایق آمده است که در سال ۱۲۶۷ هـ. ق. زلزله سهمناکی روی داد که زیاده از ۲۰۰۰ نفر زیر آوار هلاک شدند و ماده تاریخ آن (قوچان خراب شد) می‌باشد.<sup>۱</sup> همچنین در سال ۱۲۷۸ هـ. ق. زلزله دیگر قوچان را لرزاند و باعث خرابی شهر شد. تاریخش را (قوچان جدید خراب شد) گفته‌اند.<sup>۲</sup> آنچه در تاریخ قوچان از آن بنام زلزله وحشتناک نام برده شده، مربوط به سالهای ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ هـ ق

۱. جغرافیای تاریخی قوچان، رمضانعلی شاکری، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۴۴.

می‌باشد که شهر به کلی ویران گردید. ناصرخان شجاع‌الدوله<sup>۱</sup> حاکم قوچان اراضی ملکی خود معروف به نظرآباد را با مقداری از زمینهای خریداری شده از دولت را برای ایجاد شهر جدید واگذاری می‌نماید و طبق نقشه سرتیپ عبدالرضاخان مهندس، قوچان جدید را با خیابانهای مستقیم و عریض آبادی می‌نماید. بقیه مردم آسیب دیده و خسارت کشیده قوچان قدیم را در شهر جدید ساکن می‌نماید.<sup>۲</sup>

آنچه مورخین نوشته‌اند، در شب سنه ۱۱ رجب ۱۳۱۱ هـ.ق. دو ساعت از شب گذشته زلزله شدیدی در قوچان روی داد که کلیه بناها و عمارات شهر ویران گردید و تنها بارگاه آستانه امامزاده سلطان ابراهیم (ع) از آسیب مصون ماند. تلفات زیاد و خسارات سنگین این زلزله‌ها بنا به نوشته سرتیپ رزم آرا مولف کتاب «فرهنگ جغرافیایی ایران» به حدی بوده که تنها ۱۰۰۰۰ نفر تلف شده است.

در کتاب «بحرالنفوس» آمده است: در شب هشتم جمادی‌الاولی ۱۳۱۱ هـ ق سه ساعت از شب زلزله سختی به قوچان روی داد که باعث اتلاف دوازده هزار نفوس شد.

در هزار و سیصد و هادی‌عشر  
شهر قوچان شد همه زیر و آ بر

مرحوم آقا نجفی قوچانی در کتاب سیاحت شرق می‌نویسد: «قریب ساعت ۲ از شب که من با مادرم در میان ایوان مهیای خواب بودیم زلزله آمد و کوهها را خراب کرد... و چنان گرد خرابی کوهها، روی ماه را گرفت که جهان تاریک شد. به نظر میرسد که ده دقیقه لرزش زمین طول کشید. صبح خبر آمد قوچان و بعضی نواحی به کلی خراب شده و حدود ۱۲۰۰۰ نفر تلف شده‌اند و از ده ما خسرویه یک دیوار پوسیده هم نیفاده.<sup>۳</sup>

اعتمادالسلطنه با اشاره به زلزله قوچان می‌نویسد: «... از اتفاقات دیگر تشریف بردن فرمانفرمای خراسان موید الدوله است، به قوچان بعد از آن حادثه که در قوچان رو داده بود و زلزله و خرابی خانه، می‌بایستی از طرف دولت علیه حاکم خراسان آنجا رود و از مردم دلجویی کرده و اسباب آسایش آنها را فراهم آورد. فرمانفرمای خراسان از قراری که شنیدم ملقب سردار کل شده است به قوچان رفت. به جای اینکه طبیعی، جراحی، اسباب و اثاثیه‌ای (اصل: اساسی) لباسی، غذایی از برای باقی ماندگان اهالی قوچان ببرد در بیرون شهر سراپرده زده و از سایر خانه‌هایی که سرپا مانده و خراب نشده بودند هر خانه پنج تومان به اسم جریمه و مصادره و مخارج ورود فرمانفرما مطالبه نموده سی چهل هزار تومان مأخوذ داشته مراجعت کرد.<sup>۴</sup>

۱. محمد ناصرخان، فرزند امیرحسین خان شجاع‌الدوله، در سال ۱۳۱۱، پس از فوت پدرش، ملقب به شجاع‌الدوله گشت و حکومت قوچان و ایلخانی زعفرانلو را بدست آورد. (رجال بامداد، ج ۵، ص ۲۶۴).

۲. جغرافیای تاریخی قوچان، ص ۶۳.

۳. بحرالنفوس، ص ۲۸۱.

۴. سیاحت شرق، ص ۶۲.

۵. ابوالفتح میرزا (مویدالدوله) فرزند سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه در سال ۱۲۸۷ از طرف پدرش به حکومت یزد منصوب گردید در سال ۱۲۸۸ و ۱۲۹۳ به ترتیب، حکومت اصفهان و کردستان به نیابت از حسام‌السلطنه به وی واگذار شد. در سال ۱۲۹۸ به لقب «مویدالدوله» ملقب گردید. در سال ۱۳۱۰ وی را به استانداری خراسان و تولید

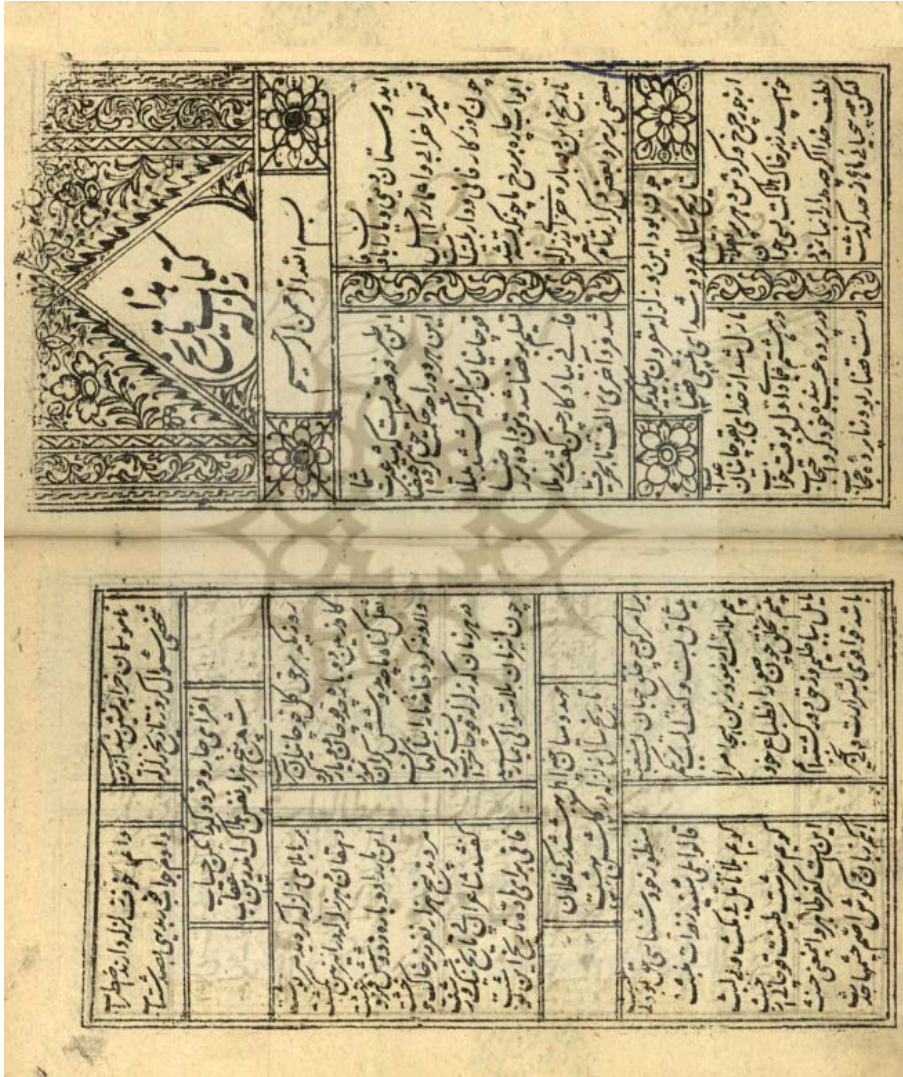
زلزله قوچان... / هادی هاشمیان

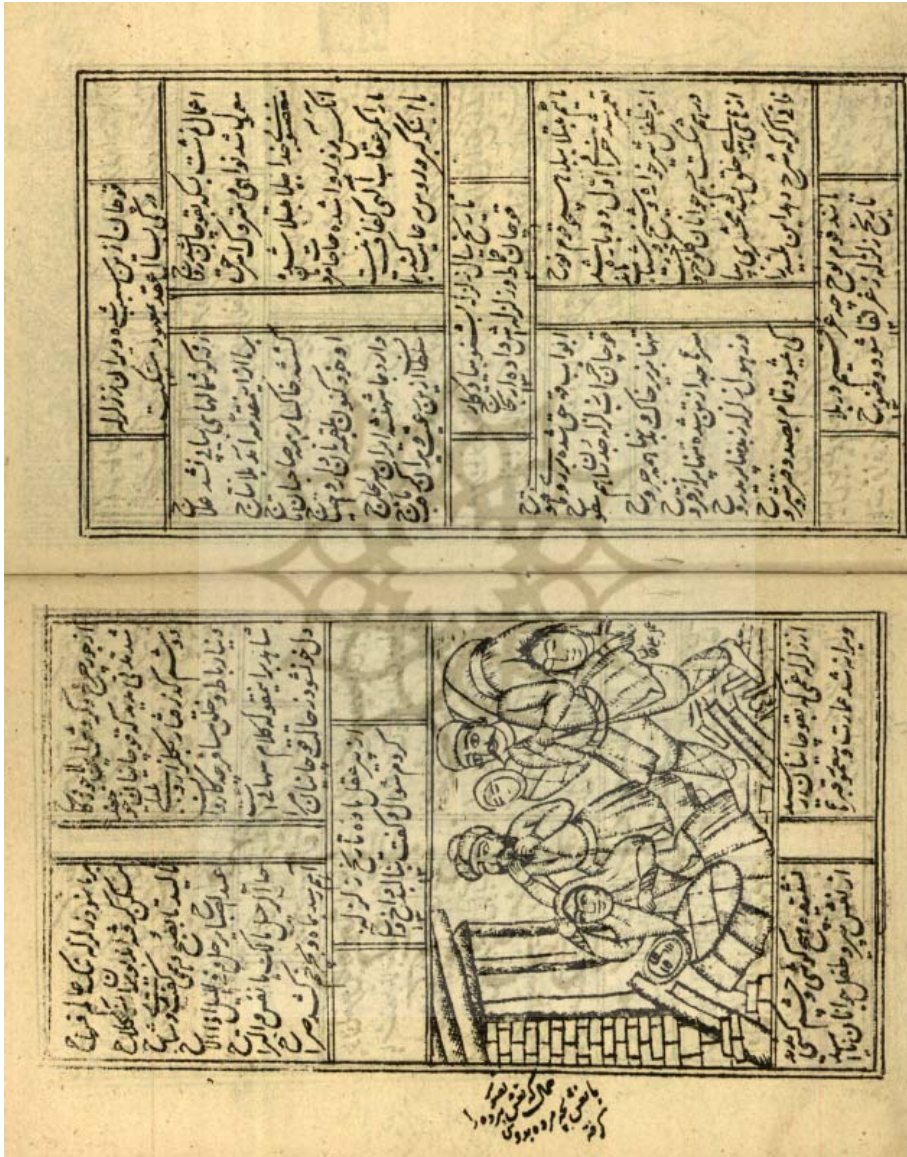
شاعری با تلخیص « فانی»، زلزله‌های سال ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ شهر قوچان را بنام تاریخ زلزله به نظم کشیده است.  
این اشعار در کتابچه کوچک در ۱۴ صفحه در سال ۱۳۱۴ بنا به توصیه مشهدی محمدحسین کتابفروش قوچانی به طبع رسیده که در اختیار خوانندگان گرامی قرار می‌گیرد.

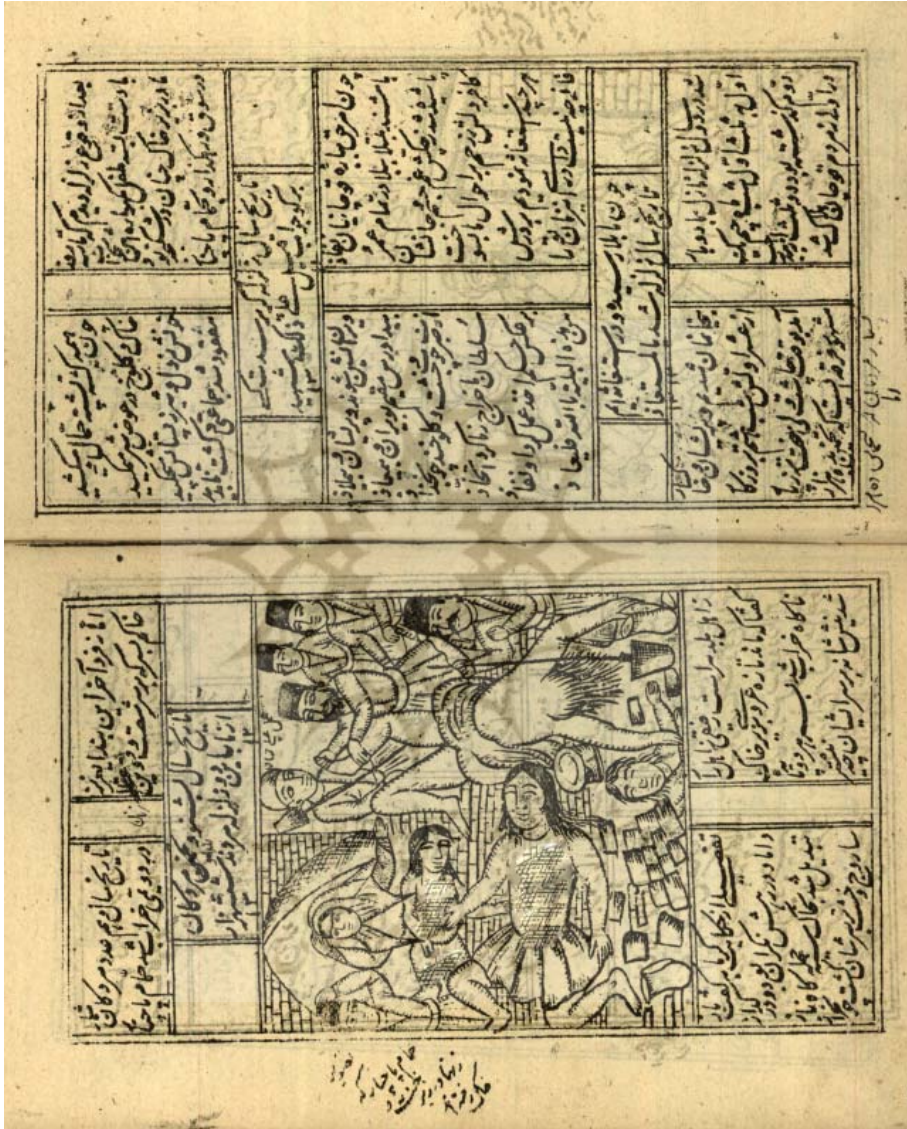


پیام بهارستان / ۳، ۳، ش ۱۱ / بهار ۱۳۹۰

آستان قدس رضوی منصوب شد. در سال ۱۳۳۰ از دنیا رفت. (تارنمای روزنامه اعتمادالسلطنه، بازخوانی تاریخ جنبش ملی مشروطیت و آرمانهای آن، علی احمدی).







<p>سند باجی مردم برین شرب کلخ و شرب باغیها باقی مانده زمین باج بهره</p>	<p>مابوع سال زلزله کشفایا با باجه قوچان کورس سازمان متصل ماده زلزله والا داد و ده براجارم هر روز</p>	<p>مخفی سال زلزله برایان قوچان زلزله دیدم تبار زلزله بجای زلزله از زلزله ز زلزله</p>
<p>بهره بهره بهره بهره</p>	<p>شماره شماره شماره شماره</p>	<p>بهره بهره بهره بهره</p>
<p>برای هر سال تاریخ سال تاریخ سال تاریخ سال</p>	<p>تاریخ سال زلزله تاریخ سال زلزله تاریخ سال زلزله تاریخ سال زلزله</p>	<p>تاریخ سال زلزله تاریخ سال زلزله تاریخ سال زلزله تاریخ سال زلزله</p>





<p>همینا که چه ابر مستجاب با شاید از لطف شریفی پاکند از خلق نیز آنچه که شکر است شکر شده غبار و خاک یا در درین خلق خا ریزد لعل تا بحد شروع است چه امر و بی</p>	<p>کردم سوال شخصی اب گفت قویان سخن که ز سر و زلف کشته از این خنده سلاطین امور دولت مطلقان آخذ و سر زلف بر زبان دل بسته ام بر کرم او که حاصل شد فراغی شرافت آزاده ای حال و حال باقی</p>	<p>در انتظار لطف کوی شیردان حی با فلک زده کان گری بر بهر سر حق طبع با مر جوون چون و ما علاج ز خلق باشد اندر جوش و ده و آوار از زمین بر با ما شده شوهر نظر از سر جان از زرد لاله داغ از غم چه سالک از پر ز داغ شد</p>	<p>بختی و رضای جلیل بر رخ سعدی از بیگانه باشد بجز رخ بر قصد جان من اگر کشید کرد پیش تر باشد نان کو تو دره دل تو با من بر برای حی نام همان که از نام ز لرزه را ز سلف با شکر و زهر در مال و صوف</p>
<p>آه با این قصه بیرون بر کس بقدر جوش و در پیش و کم</p>	<p>چون اندرون زلزله میسازد و آواز تاریخ از این است که در کتب و تاریخ فایده بیست و نه مرتبه است شده و اسرار و اجزا برین پیدا که آن زمین زلزله تاریخ و در جمله تقدیر کرد که وصف آن شایسته و مختص قویان با کلام مقتدی</p>	<p>بسیار از این زمانه در زمانه باشند از قصه ای که در روزگار از دل شکسته و ناخوش افغان از آن کس که در سرم از خاک کوه با هم از نام و در سر و سر طوفان روح شکی مانده است طوفان با این تو تا کس بر عرق</p>	<p>بسیار از این زمانه در زمانه باشند از قصه ای که در روزگار از دل شکسته و ناخوش افغان از آن کس که در سرم از خاک کوه با هم از نام و در سر و سر طوفان روح شکی مانده است طوفان با این تو تا کس بر عرق</p>

پیام بهارستان / ۲۵، ۳، ش ۱۱ / بهار ۱۳۹۰

بویزه مرفا	چون که بهیچ باکره شو سازد که در قوچان سال اخذ نماید پس سوزان بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش چون که بهیچ باکره شو سازد که در قوچان سال اخذ نماید پس سوزان بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش	از هر چه خلق در دست باید که کشت خانه خافه بوز سنا که از بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش	بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش	بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش	بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش	بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش	بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش
بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش	بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش	بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش	بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش	بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش	بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش	بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش	بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش بسیار سال زلزله را تاریخ اساطیر پیش

